

روان‌پزشک، زمزمه‌گر پیام‌ایزدی

■ گردآوری: فرزانه قندریز

مانس‌پزشک کسی است که با گفتارهای آسمانی، مقدس و آرام‌بخش و تلقین به درمان می‌پردازد. مانس‌پزشک یا مانتره‌پزشک (معادل متن اوستایی: *baēšazanəm baēšazyōtma*) همان کسی است که با کلام مقدس مانس‌سپند (معادل زبان اوستایی: *maōra spōnta*) درمان می‌کند.

مانترا

مانترا یا همان مانسره، کلام ایزدی است که نابودکننده تمام بدی‌ها، پلیدی‌ها، کژاندیشی‌ها و زشتی‌ها است. منظور از کلام مانس، سخن پاک و مقدس یا نیایش‌ها و ستایش‌های دینی است که با آن، بیماران را آرامش می‌دادند و درمان می‌کردند که این روش را مانتره درمانی می‌نامیدند. در کتاب ودای هندی‌ها نیز مانترا به معنای سخن و گفتار خدای آمده است. در اردیبهشت یشت (یشت ۳، بند ۶) درباره مانتره پزشکی آمده است: «کلام مقدس و درمان‌بخش که مرد باایمان را از درون درمان می‌کند از هر چیز و همه‌چیز بهتر است و این در میان داروهای بیهودی بخش بهترین و موثرترین است.»

نمونه‌ای از مانسره که در وندیداد آمده، به شرح زیر است: «تو را نفرین می‌کنم ای بیماری، تو را نفرین می‌کنم ای تب، تو را نفرین می‌کنم ای سردرد.»

جایگاه مانس‌پزشک در میان پزشکان دیگر

زرتشت پیامبر در گات‌ها چندین بار خود را مانتره خواننده است. ماترن اوستا در پهلوی (مانسره) به معنای کسی است که پیام ایزدی را به مردم برساند. طبق آیین و فرهنگ ایرانی، مانس‌پزشک بیش از دیگر پزشکان مورد اعتماد ایرانیان بوده و مقام ارجمندی داشته است. این کار از ویژگی پزشکی مغان بود، با این تفاوت که مانتره پزشکی علاوه بر جایگاه خاص مذهبی از اشوپزشکی و گیاه‌پزشکی هم بی‌اطلاع نبود. هم‌چنان‌که زرتشت خود از پزشکان برجسته بوده و خود را مانتره خواننده است.

گفتنی آن‌که مانتر پزشکی موثرتر از سایرین به شمار می‌رفته است. در وندیداد آمده است که اگر پزشکان چند باشند که یکی با کارد و دیگری با گیاه و سومی با ادویه و کلمات خدای پاک درمان نماید، برتری با طبیب سومی است. که او پزشک پزشکان است. پزشکی که به کمک کلمات و وردهای مقدس و آسمانی درمان می‌کرده است. او کسی است که روش و هنر درمانی‌اش به‌وسیله زمزمه کلمات آسمانی و قطعات اوستایی که برای نیروهای درونی و سلسله‌اعصاب‌و عوامل روانی انسان‌درمان‌بخش و فوق‌العاده‌موثر می‌باشد، انجام می‌گرفته‌است و جز این روش، او هنر پزشکی و درمان‌بخش خویش را به کار نمی‌انداخته است. (وندیداد ۲-۲۹ و ۲۷ و یشت ۵-۹۳)

تاریخ ایران

آب، خاک، آتش و باد نزد زردشتیان از احترام و تقدس ویژه‌ای برخوردارند این چهارعنصر پاک هستند و بایسته است هر به دینی پاکی این عناصر را که پاکی محیط‌زیست اوست، حفظ کند. ازاین‌رو در اوستا برای کسانی که مردگان را به خاک سپارند و یا آب‌وآتش را بیالایند، مجازات‌هایی در نظر گرفته‌شده است. بارزترین جنبه سنت اوستایی در پزشکی در زمینه بهداشت محیط و در پیشگیری از بیماری‌ها جلوه می‌کند. تعلیمات دینی اوستا درباره پاکیزگی با اصول پیش‌گیری از بیماری‌ها چنان آمیخته است که جدایی آن‌ها ناممکن به نظر می‌رسد. بیشتر این آداب و تعلیمات متضمن اصولی بود که پایه و اساس روش‌های ضدعفونی و پیشگیری امروزی هستند. تن، جامعه، خانه و محیط‌زیست (آب، آتش، خاک، باد) و آن چه که در اختیار به دینان قرار دارد باید از هرگونه آلودگی به دور باشند. برای مثال کسانی که با مردگان تماس دارند و یا زنان پس از زایمان ناپاک شمرده می‌شوند و لازم است بنا بر دستوراتی که در وندیداد آمده است آیین‌های پادبایی یا طهارت را به‌جا آورند. پزشکی اوستایی با دیگر وجوه جهان‌بینی اوستایی هماهنگی و وحدت تام دارد. می‌دانیم که آن چه به نام سنت اوستایی در علوم خوانده می‌شود، خود آمیزه‌ای از آیین‌ها و جهان‌بینی‌های پیش از زردشت بوده که در اندیشه زردشت و در اوستا او دگرگونی و درعین‌حال تبلور دوباره یافته است. از ویژگی‌های این سنت اعتقاد به تشابه میان مه جهان (جهان اکبر) و که جهان (جهان اصغر) بوده است. در این نظام انسان یعنی که جهان آینه‌ای تمام‌نما از گیتی یعنی مه جهان است. بر اساس همین باور به تشابه جهان کبیر و جهان صغیر است که نظریه طبایع یا مزاج‌های چهارگانه در ایران باستان ظهور کرد. این نظریه بر اصل همانندی مزاج‌های گوناگون انسان با عناصر چهارگانه طبیعت یعنی آب‌و‌خاک و آتش و هوا استوار گردیده و در نوشته‌های آریایی‌های هند نیز از گذشته‌های دور ظاهر می‌گردد. نظریه تشابه رفتار فیزیولوژیک انسان با عناصر چهارگانه طبیعت و

و بیانات موثر خود، بیماران را تحت معالجه قرار می‌داده است.

با اعمال این روش، پزشک معالج برای بیمار روانی هم آهنگی و کنترل و توازن عصبی و روحی را امکان‌پذیر می‌ساخته است. البته این کار تا آن جا که در حد توانایی او و منطق باداش روان‌کاوی و روان‌پزشکی در ایران باستان بود، امکان اجرا داشته است. کاربرد و اعمال روشی هم چون بیهوشی آزمایشی (Hypnotisme) در مورد بیماری روانی به این پزشک کمک می‌کرد تا با وظیفه سنگینی که داشت در پی بردن به مشکلات و نکات ثقیل و مهم و علل رنجوری بیمار (که بیماری روانی تا حدود قابل قبولی زاییده آن‌ها می‌باشند) پی ببرد. مانترپزشک روش مزبور را با دقت و دلسوزی برای مدتی طولانی بر روی شخص بیمار انجام می‌داده است. البته نباید تصور کرد که این شیوه درمان در همان قالب هیپنوتیزم مدرن امروزی بوده، بلکه مانتره پزشک به کمک کلمات مقدس آسمانی می‌توانست بیمار روانی را از تلقین‌های بیهوده و ناآرامی‌های درونی و عدم تسلط بر اعصاب برهاند. این روش، در ایران باستان قابل توجه‌دیگر پزشکان‌ودانشمندان‌ومخصوصا درباریان و پیشوایان مذهبی بود، به همین دلیل در میان دسته‌های گوناگون پزشکان، این گروه از پزشکان، طرفداران زیادی داشته و مردم ایشان را گرامی می‌داشتند. ایشان در شمار تواناترین اطباء در این حرفه پراهمیت به حساب می‌آمدند.

آن چه در مورد هنر پزشکی و توانایی پزشکان ایران گفته شد، نمی‌تواند گویای استعداد خارق‌العاده نیاکان ما در این میدان پرازمسئولیت باشد. بلکه باید چنین پنداشت که پزشکان آن زمان با لوازم ابتدایی خود و به‌عنوان تنها حربه‌شان در مقابل بیماران‌صعب‌العلاج، با نیروی تفکر و تسلط و ایمان به اندیشه پزشکی و توانایی حیرت‌انگیز خود، بیماران را درمان می‌کردند.

مقیدات قانونی زمان‌های پیشین در برخی موارد مبین آن هستند که اگر پزشکی موفق به درمان بیماری نمی‌شد، احتمالاً او را قاتل می‌دانسته یا درشمار آن به حساب می‌آوردند. از سوی دیگر باوجود عدم توانایی نیاکان ما در تهیه مواد و داروهای لازم‌که‌دلیل جزعدم‌امکانات‌وگسترش پزشکی نداشته است، اشخاص فوق‌العاده مستعد دارای صلاحیت آموختن دانش پزشکی، به کسب این دانش مبادرت می‌ورزیده و به هم نوعان خود کمک می‌کردند.■

منابع: پزشکی در ایران باستان/ زهره زرنشاس/ فصلنامه تاریخ پزشکی سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸
پزشکی و سیر تحول درمان در ایران باستان/ حمید کاویانی پویا/ فصلنامه تاریخ پزشکی سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۸
گیاه‌درمانی و پزشکی در ایران باستان /محمد فرید سراج‌الدینی/فصلنامه تاریخ پزشکی سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸
روش‌های درمان پزشکان زرتشتیان در ایران باستان/ دکتر اردشیر خدادادیان
پیشینه پزشکی در ایران باستان/ داود رنجکش



آور باشد) دورنگه دارند. با توجه به هنرونوع درمانی این پزشک، می‌توان او را باروان‌پزشکان و روان‌کاوان امروزی یاد نظر گرفتن دانش پزشکی (اندرون) درمان می‌کند، می‌باشد و این در میان داروهای بیهودی بخش از بهترین و موثرترین آن‌ها به شمار می‌رود.»

ناباید تصور کرد که مانسره دعایی از انواع دعا‌هایی که می‌شناسیم بوده است، بلکه در واقع نوعی ورد و کلام مقدس بوده که برای درمان زمزمه می‌شده و بر سلسله اعصاب و نیروهای درونی آدمی موثر و درمان‌بخش بوده است. به استناد تاریخ و نوشته‌های اوستایی روش مانتره پزشک در پیش‌گیری بسیاری از بیماری‌ها موثر بوده است. اودرعین حال و به‌گونه‌ای که اشاره شد بیماران خود را با ملایمت و مهربانی، همدردی و تسکین و باززمزه‌جملات‌امیدبخش مورد معاینه و درمان قرار می‌داده است.

فرمان‌ها و آیین پزشکی مانتره پزشک و آن چه او به بیماران تجویز می‌کرده است نه‌تنها برای بیماران او سودمند بود، بلکه تمام اجتماع ناگزیر به پیروی از آنان بوده است. فرمان‌های او که بر طبق ضوابط آیینی و هم آهنگ با نظام پزشکی آن زمان بوده و هنوز نیز معتبر می‌باشد بدین قرار است: جسم (تن، بدن)، لباس، خانه و محیط‌زیست و نظائر آن که در اختیار ایرانیان قرارداد باید از آلودگی به دور بماند. انسان‌ها و موجودات زنده دیگر باید خود را از نسا (لاشه انسان و جانوران و آن چه در این سطح که میکروب‌ها و بیماری

به مشورت می‌نشسته‌اند و تازه‌ترین اطلاعات پزشکی را با یکدیگر رد و بدل می‌کرده‌اند. در میان این گروه همان‌گونه که اشاره شد مانتره پزشک جای خاصی را داشته است اگرچه دانش پزشکی در آن زمان مراحل اولیه و فوق‌العاده ساده خویش را می‌پیموده است ولی انسان‌ها به هنر و موفقیت پزشکان و به‌طور خاص به توانایی و دانش مانتره پزشک در امر درمان بیماری‌های روانی ایمان داشته‌اند. طبعاً مدت‌زمان کسب دانش پزشکی این پزشک از همه پزشکان دیگر طولانی‌تر بوده است و علاوه بر وظایف موبدی، این پزشک در اجتماع به‌عنوان پزشک بیماری‌های روانی نیز به شغل طبابت اشتغال داشته است. پیشوایان مذهبی که این پزشک به استناد تاریخ در صدر آنان قرار داشته است، مسئول رسیدگی به چون و چند وظایف دیگر پزشکان بوده‌اند.

بیماران و نحوه درمان

دورونداید (فرگرد هفتم) مانتره پزشک یا پزشکی است که به کمک کلمه‌ها و وردهای مقدس و آسمانی درمان می‌کرده است. بیماران و مراجعان دعا‌پزشک در درجه اول بیماران روانی قرار داشتند. مبتلایان به غش و ضعف اعصاب، دیوانگان و نیز کسانی که به سکنه‌های موقتی دچار می‌گردند. نخست بیمار را شست‌وشو می‌دادند و در جای آرامی می‌گذارند. گیاهان خوشبو دود می‌کردند. آهنگ‌های دلنشین یا کلمات مقدس می‌خواندند و با تلقین و باورد درمانی به بیمار آرامش می‌بخشیدند.

رابطه پزشکی و جهان‌بینی اوستایی

عناصر مقدس در آیین زرتشت



منبع: پزشکی در ایران باستان/ زهره زرنشاس